

Journal iranian political sociology

Vol. ۵, No.۷, Mehr ۲۰۲۲

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.286252.172>

Explaining the role of the middle class on the political development of Iran after the Islamic Revolution (Grounded theory method)

Abstract

The aim of this article is to theoretically explain the role of the middle class in the political development of Iran after the Islamic Revolution, while filling the wide gap in the study of the middle class, to revive the issue of political development in Iran after the Islamic Revolution. Therefore, the grounded theory method in the form of open, central and selective coding has been used in the first stage and by in-depth interviews with ۱۸ experts (university professors, experts and political activists) to explain the theoretical model of the role of the middle class. Iran's political development after the Islamic Revolution. This model consists of six main themes: ۱) causal conditions (enjoyment of political rights and political identity); ۲) background conditions (political participation); ۳) Interventional conditions (political capacity and facilities, social barriers, cultural barriers and economic barriers); ۴) central category (meeting political needs and demands); ۵) Strategies (management strategies); ۶) Consequences (political, social, cultural and economic consequences). The research findings show that officials and policy makers for the political development of the middle class should pay attention to all categories of causal conditions, contexts, interventions, strategies and consequences and go through the identified steps to improve the position of the middle class.

Keywords: middle class, political development, Islamic revolution, grounded theory

ماهنامه علمی (مقاله علمی_ پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره هفتم، مهر ۱۴۰۱، صص ۲۶۰-۲۴۳

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.286252.1720>

تبیین نقش طبقه متوسط بر توسعه سیاسی ایران بعد از انقلاب اسلامی
(روش نظریه پردازی داده بنیاد)

سجاد بهزادی^۱

فیض‌الله نوروژی^۲

حسین دهقان^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

چکیده

مقاله حاضر با هدف تبیین نظری نقش طبقه متوسط بر توسعه سیاسی ایران بعد از انقلاب اسلامی درصدد است تا ضمن پر کردن شکاف گسترده موجود در مطالعه طبقه متوسط، به احیای موضوع توسعه سیاسی ایران بعد از انقلاب اسلامی در کشور بپردازد. از این رو از روش نظریه پردازی داده بنیاد در قالب کدگذاری باز، محوری و انتخابی در مرحله اول استفاده شده است و با مصاحبه عمیق با ۱۸ تن از خبرگان (اساتید دانشگاه ها، کارشناسان و فعالان حوزه سیاسی)، به تبیین الگوی نظری نقش طبقه متوسط بر توسعه سیاسی ایران بعد از انقلاب اسلامی پرداخته است. این الگو مشتمل بر شش تم اصلی: (۱) شرایط علی (بهره مندی از حقوق سیاسی و هویت سیاسی)؛ (۲) شرایط زمینه‌ای (مشارکت سیاسی)؛ (۳) شرایط مداخله‌گر (ظرفیت و امکانات سیاسی، موانع اجتماعی، موانع فرهنگی و موانع اقتصادی)؛ (۴) مقوله محوری (تامین نیازها و خواسته‌های سیاسی)؛ (۵) راهبردها (راهبردهای مدیریتی)؛ (۶) پیامدها (پیامدهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مسئولین و سیاست‌گذاران برای توسعه سیاسی طبقه متوسط باید به همه مقوله‌های شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها توجه کنند و با رویکرد مدیریتی، مراحل شناسایی شده برای ارتقاء جایگاه طبقه متوسط را طی نمایند.

کلمات کلیدی: طبقه متوسط، توسعه سیاسی، انقلاب اسلامی، نظریه داده بنیاد

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

یکی از مفاهیم اساسی که لازم است در توصیف ساختار اجتماعی هر جامعه ای تحلیل و بررسی شود، بررسی وضعیت و ساختار طبقاتی جامعه مورد نظر می باشد. مطالعه در ساخت طبقاتی جامعه تنها از آن جهت سودمند نیست که کلید فهم و تبیین سازمان قدرت و حکومت را بدست می دهد بلکه از آن جهت نیز سودمند است که عامل «فشر یا طبقه» یکی از مؤثرترین عوامل اجتماعی به شمار می رود که بسیاری از رفتارهای اجتماعی به این عامل بستگی دارد (شجیعی، ۱۳۸۳: ۲۱). به طور طبیعی هنگام سخن گفتن از طبقات و لایه های اجتماعی موجود در بافت اجتماعی، تحلیل سوسیالیستی^۱ و نوع نگاه کارل مارکس^۲ به طبقات اجتماعی، اولین پهنه ای است که مورد توجه قرار می گیرد. گرایش مارکس به تحلیل اجتماعی و کشف تضادهای آن برای تشریح سیر تکاملی تاریخ، موجب شده که مطالعه طبقات و لایه بندی اجتماعی نقش ویژه در فلسفه سیاسی داشته باشد (دارابی، ۱۳۹۴: ۸). بر همین اساس، اندیشمندان علوم اجتماعی برای طبقه متوسط اهمیت خاصی قائل اند. آن ها مدعی اند که طبقه متوسط، رهبران جامعه را تربیت می کنند، دارای مهارت سازمانی و مورد اعتماد هستند و خلاصه اینکه انسان جدیدی را پرورش و در نهایت وسیله تغییر، دگرگونی و توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه می شوند (آب نیکی، ۱۳۹۶: ۷۱).

فضا و ساخت سیاسی حاکم بر جامعه به عنوان یکی از موضوعات اساسی در نقش آفرینی طبقات مؤثر می باشد؛ با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، تغییرات و تحولاتی در عرصه های گوناگون جامعه (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ...) رخ داد؛ در حوزه طبقات نیز شاهد برخی تغییرات بوده ایم؛ افزایش جمعیت، تحرک اجتماعی، رشد شهرنشینی همراه با تغییرات اساسی دیگر، نظام اجتماعی را دگرگون ساخت به نحوی که شکل طبقات در جامعه کنونی ایران با صورت بندی طبقاتی سال های آخر سلطنت پهلوی دوم تفاوت دارد. برخلاف دوران پهلوی که طبقات اجتماعی از سوی رژیم کنترل شده و ساخت سیاسی اجازه فعالیت به آنان را نمی داد با استقرار جمهوری اسلامی ایران، فضا برای فعالیت، رشد و گسترش طبقات گوناگون فراهم شد (فوزی و رضانی، ۱۳۸۸: ۴).

از آنجائیکه طبقه متوسط از نیروهای عمده در تحولات سیاسی - اجتماعی در قبل و بعد از انقلاب اسلامی محسوب می شود که شامل: کارمندان، مدیران، روشنفکران و دانشجویان است که بر اساس شاخص بسیار مهم شأن و منزلت اجتماعی اتخاذ شده؛ نکته مهمی که وجود دارد، این است که طبقه متوسط بیش از آن که متکی به قدرت و ثروت باشد، بیش تر متکی به منزلت و حیثیت اجتماعی است؛ یعنی طبقه متوسط با رشد آموزش علم، سواد و آگاهی توانسته به دستیابی به تولیدات فکری، منزلت اجتماعی مهمی را بدست آورد (مسعود و منصورزاده، ۱۳۹۴: ۸۴). افول طبقه متوسط، هر چند پدیده ای صریح و قابل شناسایی در جوامع سرمایه داری از سده نوزدهم است، ولی به شیوه کاملاً رادیکالی که بعدتر مارکسیست هایش بینی کردند، ادامه نیافت. امروزه نه تنها حتی تفاوت

^۱. Socialisme

^۲. Karl Marx

های مهمی میان جوامع معاصر از لحاظ میزان نسبی طبق متوسط قدیمی وجود دارد، بلکه افول این طبقه نه اینکه به صورت ناگهانی و آشکار در حال رخ دادن باشد بلکه با شیئی ملایم در جریان است (گیدنز، ۱۳۹۷: ۲۲۷).

بورديو بر آن بود که خوی و خصلتی که افراد به دست می آورند به موفقیت یا موقعیت هایی که در جامعه اشغال می کنند بستگی دارد و این به معنای میزان بهره مندی از سرمایه است (بحرانی، ۱۳۸۹: ۵۲). طبقات متوسط نسبت به طبقه کارگر از بند جبر و ضرورت ها آزادترند و خواهان خانه ای گرم و باصفا، راحت و مرتب، با لباس های مد روز و اصل هستند. این ها ارزش هایی است که طبقات ممتاز آن ها را ثانوی و فرعی می دانند، زیرا از دیر باز به آنان تعلق داشته و ظاهراً حاجت به بیان آن نیست. (بورديو، ۱۳۹۷: ۳۳۸).

البته فرآیند تحولات اجتماعی و سیاسی در ایران به رغم شباهت، شکلی متفاوت از آن چیزی بوده که در غرب تکوین یافت. ایران در آغاز قرن چهاردهم هجری، کشوری با نظام اجتماعی فئودالی بود که در آن یک طبقه متوسط منطبق بر تعریف مارکس از خرده بورژوا در حاشیه سیستم فئودالی موجود، وجود داشت. طبقه ای که امروز و در بحث های تاریخ تحول اجتماعی و سیاسی ایران، «طبقه متوسط سنتی» نامیده می شود. با آغاز قرن چهاردهم و تثبیت حکومت پهلوی و همزمان با توسعه نقش و تأثیرگذاری مرکزی در نظام اجتماعی، به تدریج یک قشر بوروکرات در جامعه پدید آمد که مختصات بسیار نزدیکی با طبقه مدیران یا مزد بگیران یقه سفید در غرب سرمایه داری داشت. این طبقه به تدریج و همراه با افزایش حجم دولت و توسعه میزان نفوذ و اقتدار آن در زندگی اجتماعی ایرانیان رشد یافت تا جائیکه به تدریج و پس از دهه ۱۳۴۰ هجری به مهم ترین قشر در جامعه ایران تبدیل شد (ازغندی، ۱۳۹۷: ۱۳۵).

افزایش وابستگی ایران به نفت، سرمایه دولتی و دلارهای نفتی، موجب شد که دولت به بزرگترین کارفرما و سرمایه دار در اقتصاد ایران تبدیل شود و در عمل مجبور باشد از طریق سیستم بوروکراتیک وابسته به خود، درآمد نفت و سایر یارانه ها را در جامعه تزریق کند (محمدی فر و محمدی، ۱۳۹۱: ۹۳). این مسیر نیاز به یک سیستم بوروکراسی گسترده و حجیم داشت که به تدریج شکل یافت و پس از دهه چهل به اوج رسید و بدیهی است همانطور که پیش از این گفته شد، طبقه متوسطه مدرن وابسته به دولت را که اصلی ترین عوامل اجرایی این فرآیند بودند، تبدیل به اصلی ترین لایه اجتماعی کشور کرد (دارابی، ۱۳۹۴: ۹). بر همین اساس، هر چه طبقه متوسط بزرگتر و گسترده تر باشد، مشارکت مردم در امور سیاسی و توسعه سیاسی نیز بیش تر می شود؛ چون این طبقه متوسط، بیش ترین آمادگی و توانایی را برای مشارکت و توسعه سیاسی دارد. باسواد و متمدن است و از خصلت های شهری برخوردار است. از طرف دیگر، رشد طبقه متوسط سبب می شود تنش های اجتماعی از حالت خشونت آمیزی به رقابت سیاسی تبدیل شود (مسعود و منصورزاده، ۱۳۹۴: ۹۷). البته نکته ای که قابل ذکر است، احساس سرخوردگی که در این چند ساله گریبانگیر طبقه متوسط جامعه ما بوده است. در حالیکه این طبقه باید با امید و انرژی، موتور حرکت جامعه در مسیر توسعه را روشن کند، به نظر می رسد که دچار خمودگی و یأس شده است. طبقه متوسط جامعه امروز ما، از نظر اقتصادی در حد طبقات پایین قرار دارد و از نظر قدرت،

بیرون از حکومت سیاسی است؛ ولی منزلت اجتماعی آنان به طور نسبی حفظ شده است و همین منزلت اجتماعی (پایگاه اجتماعی آنان) موتور محرکه فکری آنان می باشد. بر همین اساس آنچه در این تحقیق اهمیت و ضرورت دارد، تبیین نظری نقش طبقه متوسط بر توسعه سیاسی ایران بعد از انقلاب اسلامی می باشد.

۲. اهداف و سؤالات پژوهش

۱-۲. اهداف پژوهش:

- ۱- شناسایی عوامل و ابعاد موثر بر نقش طبقه متوسط بر توسعه سیاسی ایران بعد از انقلاب اسلامی
- ۲- شناسایی متغیرهای مداخله گر و میانجی بر نقش طبقه متوسط بر توسعه سیاسی ایران بعد از انقلاب اسلامی
- ۳- شناسایی راهبردهای موثر جهت نقش طبقه متوسط بر توسعه سیاسی ایران بعد از انقلاب اسلامی
- ۴- پیامد و نتایج حاصل از نقش طبقه متوسط بر توسعه سیاسی ایران بعد از انقلاب اسلامی

۲-۲. سؤالات پژوهش:

- ۱- عوامل و ابعاد موثر بر نقش طبقه متوسط بر توسعه سیاسی ایران بعد از انقلاب اسلامی کدامند؟
- ۲- متغیرهای مداخله گر و میانجی در نقش طبقه متوسط بر توسعه سیاسی ایران بعد از انقلاب اسلامی کدامند؟
- ۳- چه راهبردهایی جهت شناسایی نقش طبقه متوسط بر توسعه سیاسی ایران بعد از انقلاب اسلامی وجود دارد؟
- ۴- چه پیامد و نتایجی باید از نقش طبقه متوسط بر توسعه سیاسی ایران بعد از انقلاب اسلامی به دست آید؟

۳. طبقه متوسط جدید در فرآیند توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران

مسئله اساسی طبقه متوسط ایران سامان دادن یک زندگی مُدرن در جامعه و توسعه همه جانبه است. از منظر این طبقه کیفیت زندگی و نحوه بهره گیری از زندگی اهمیت بسیار دارد. جامعه ایرانی از جهت ارزشی یک جامعه دوقطبی نیست؛ چنان که «سکولار یا متدین»، «لیبرال دموکرات یا سوسیال دموکرات» و «غرب گرا یا شرق گرا» باشند. جامعه ایرانی یک جامعه پویا با ترکیب بندی های متفاوت است، که در این چارچوب از دو حد افراطی ضدیت با فرهنگ سنتی و تحجرگرایی گذر کرده است. آزادی اندیشه، حفظ حریم خصوصی، آزادی مطبوعات و گردش اطلاعات از دغدغه های اصلی اجتماعی طبقه متوسط است. از جهت مدل زندگی، دغدغه اصلی این طبقه بهبود و بهره وری هر چه بیش تر از زندگی است، در حالیکه اخلاق نیز از اهم مسائل مورد توجه این طبقه است (دارابی، ۱۳۹۴: ۱۶).

جامعه ایران، جامعه ای است دینی که دینداری اصلی ترین مسئله آن است. برخلاف تبلیغات غربی اکثریت انبوه طبقه متوسط ایران دیندار است، نه بی قیدوبند و غرب زده. این طبقه در قبال کنترل و بهره برداری خود توسط یک گروه خاص به شدت حساس است. قدرت های غربی و برخی افراد در حاکمیت ایران بر این باورند که می توانند با کنترل طبقه متوسط ایرانی، آن ها را در جهت اهداف خود هدایت کنند. در حالیکه به گواه تاریخ با جامعه ایرانی نمی توان این چنین معامله کرد؛ اولاً اثبات شده که این سناریو برای ساختن جامعه اشتباه

است و ثانیاً از آن جهت که نیروی مذکور دارای یک تاریخ و پیشینه طولانی است، در برخورد حوزه سیاسی با آن حساس شده، واکنش نشان می دهد. چنان که هر زمان که تلویزیون های ایرانی فارسی زبان خارجی شروع به ایجاد حساسیت در جامعه می کنند، طبقه متوسط واکنشی متناسب با آن موضوع بروز می دهد. برای مثال وقتی القاء می شود جامعه ایران دچار بحران دینداری شده، طبقه متوسط حساسیت دینی خود را بیش تر بروز می دهد. دغدغه اصلی کنونی طبقه متوسط فارغ از جناح بندی های سیاسی موجود ایران، توسعه همه جانبه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اخلاقی ایران است (شفیعی فر، ۱۳۹۴: ۱۱۲).

همچنین حرکت جامعه ایرانی در فرآیند توسعه سیاسی متناسب با حرکت های جامعه جهانی است. طبقه متوسط جریانی نیست که به واسطه یک نیروی اجتماعی تولید شده باشد تا با مدیریت آن توسط یک یا چند نهاد بتوان به منافع مورد نظر دست یافت. طبقه متوسط ایران در متن نظام اجتماعی استقرار یافته و بازگو کننده ایده ها و انتظارات جامعه ایرانی است. در جامعه ایران نمی توان چند فرد کلیدی و عمده را رهبر تام و تمام یک جریان خواند. حرکت ترقی خواه جامعه ایرانی در حال استمرار است و همچنان به حیات خود ادامه می دهد. این جریان رهبران عمده و اساسی ندارد که بتوانند جنبش اجتماعی ایران را رادیکال کرده، یا آن را متوقف کنند. طبقه متوسط ایران جنبشی «عقل گرا» و «خود اصلاح گر» است که هماهنگ با مقتضیات و ظرفیت های خود، جامعه و حاکمیت در جهت رشد و توسعه همه جانبه به پیش می رود. «توسعه سیاسی»، «دموکراسی»، «عدالت»، «قانون گرایی» و «اخلاق» در چارچوب اسلام رحمانی خواسته های اصلی طبقه متوسط ایرانی است، که هر یک از این خواست های پنج گانه محور حرکت برخی از طبقات و گروه های اجتماعی دیگر ایرانی است (دارابی، ۱۳۹۴: ۱۸).

در حال حاضر عملاً طبقه متوسط، طبقات و گروه های دیگر اجتماعی را مدیریت می کند. طبقه متوسط از اینکه عده ای به نام دین اعمالی خلاف شرع مبین می کنند، به نام دموکراسی دینی فقط حق حیات سیاسی برای یک جریان خاص قائلند، به نام عدالت بزرگترین مفسد اقتصادی به وقوع می پیوندد، به نام قانون برخی از حقوق اساسی مردم را سلب می کنند و به نام اخلاق، بدترین رفتارها را با رقبای سیاسی خود می کنند، رنج می برد و خواستار تغییر اینگونه منش ها و رفتارها در سپهر سیاسی و اجتماعی ایران است که با روح بلند ملت ایران، انقلاب اسلامی و ارزش های آن در تنافر است.

۴. روش شناسی پژوهش

مقاله حاضر، پژوهشی اکتشافی و کاربردی است که سعی در تبیین نقش طبقه متوسط بر توسعه سیاسی ایران بعد از انقلاب اسلامی دارد. با توجه به ماهیت اکتشافی پژوهش، پژوهشگران از روش نظریه پردازی داده بنیاد (تئوری گراند) استفاده کرده است. گراند تئوری یکی از روش های پژوهش کیفی است که به طور خاص برای پژوهش های اکتشافی که به دنبال نظریه پردازی یا دستیابی به الگو هستند، مناسب است چراکه به پژوهشگر اجازه می دهند با ذهن باز و به دور از پیش داوری یا فرضیه به گردآوری و تحلیل داده ها بپردازد.

در پژوهش‌های کیفی روایی به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا روش‌ها و فنون به کار گرفته‌شده در پژوهش باهم مرتبط‌اند و آنچه برایش طراحی شده‌اند را به‌خوبی ارزیابی می‌کنند یا خیر. برخلاف پایایی که به طوره عمده یک مسئله کمی و قابل اندازه‌گیری است، اعتبار مسئله‌ای به طور عمده کیفی است و ارزیابی آن بسیار مشکل است. (نوروزی، ۱۳۹۲: ۴۳۴). در پژوهش حاضر جهت افزایش میزان اعتبار پذیری تلاش شد تا پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها و در صورت امکان مصاحبه مکتوب برای مصاحبه‌شونده ارسال شده و تأیید ایشان در این باره اخذ شود. علاوه بر این مدل مفهومی نهایی مستخرج از تحلیل مصاحبه‌ها برای مصاحبه‌شوندگان ارسال شد تا ایشان مدل را از نظر تطابق با واقعیت مورد تأیید قرار دهند.

جامعه مورد بررسی شامل کلیه خبرگان علمی آشنا به موضوع و به‌طور اخص خبرگان شامل اساتید، کارشناسان و فعالان حوزه سیاسی هستند. که دارای ویژگی‌هایی نظیر تجربه، تناسب رشته تحصیلی، اشتغال به تدریس در دانشگاه، سابقه پژوهشی و تألیفی در این زمینه می‌باشند. روش نمونه‌گیری در بخش تحلیل‌های کیفی از نوع نمونه‌گیری هدفمند است. لذا بر اساس اشباع نظری محقق تعداد ۱۸ نفر که دارای تخصص ویژه در موضوعات سیاسی هستند به روش انتخاب هدفمند انجام شده است. در این تحقیق نمونه‌های انتخابی شامل اساتید دانشگاه به تعداد ۸ نفر و ۱۰ نفر کارشناسان و فعالان حوزه سیاسی است.

۵. یافته‌های پژوهش

در این مرحله در بخش کیفی به گزارش و توصیف فرآیند گردآوری، طبقه‌بندی و تحلیل اطلاعات حاصل از مصاحبه پرداخته شده است.

۵-۱. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

در این بخش مراحل طبقه‌بندی و تحلیل اطلاعات در سه مرحله کدگذاری باز، انتخابی و محوری به تفصیل تشریح شده است. سپس هر یک از تم‌های فرعی و اصلی تحقیق با ارائه مستندات از متن مصاحبه‌ها تشریح شده است.

۵-۱-۱. گام اول: کدگذاری باز

در این مرحله پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، کدگذاری باز صورت پذیرفت و اقدام به برجسته‌سازی جملات مهم از متن مصاحبه‌ها و ایجاد کدهای اولیه شد. به‌عنوان مثال از نشانه‌گذاری "برای طبقه متوسط خیلی مهم است که از انتخاب آزادانه در پذیرش هر نوع تفکر اجتماعی، فلسفی، سیاسی یا مذهبی بدون ترس و نگرانی و حق آزادی در انجام مناسک دینی برخوردار باشند." کد اولیه "حق آزادی عقیده و مذهب" استخراج گردید.

۵-۱-۲. گام دوم: کدگذاری انتخابی

بعد از شناسایی کدهای اولیه، کدهایی که شبیه یکدیگر بودند و در قالب کدهای ثانویه نام‌گذاری شدند. همچنین کدهای ثانویه مشابه در قالب تم‌های فرعی طبقه‌بندی شدند. برای مثال کد اولیه "حق آزادی عقیده و مذهب"، "حق آزادی مطبوعات و اخبار و اطلاعات"، "حق آزادی در بیان اندیشه" و "تساوی حقوق" در یک مجموعه

قرار گرفته و با عنوان تم فرعی « بهره مندی طبقه متوسط از حقوق سیاسی » برچسب‌گذاری شدند. یک نمونه از روند کدگذاری باز در جدول (۱) ارائه شده است

جدول ۱. یک نمونه از روند کدگذاری باز

تم های مستخرج	نشان های مستخرج
حق آزادی عقیده و مذهب؛ حق آزادی مطبوعات و اخبار و اطلاعات؛ حق آزادی در بیان اندیشه؛ تساوی حقوق	انتخاب آزادانه افراد در پذیرش هر نوع تفکر اجتماعی، فلسفی، سیاسی یا مذهبی بدون ترس و نگرانی؛ آزادی در انجام مناسک دینی؛ افشای اندیشه، افکار و سلیقه فردی؛ آزادی در بیان اندیشه؛ جمع آوری و کسب آزادانه اخبار و اطلاعات و عقاید عمومی، انتقال و مخابره آزادانه؛ انتشار آزاد روزنامه ها؛ پخش آزادانه برنامه های رادیویی و تلویزیونی؛ دریافت و مطالعه آزادانه مطبوعات؛ نشر عقاید و افکار به وسیله ابزار و وسایلی به جز از راه بیان شفاهی مانند کتاب، روزنامه، مجله، اعلان، سینما، تئاتر، رادیو و تلویزیون؛ حقوق برابر برای همگان؛ حقوق برابر برای اقلیت های مذهبی؛ حقوق برابر برای زنان؛ برابری جنسیتی؛ درک از برابری جنسیتی؛ حقوق برابر برای اقوام
حس تعلق به ایران؛ حمایت از قانون اساسی؛ لزوم تقویت طبقه متوسط در جامعه؛ اعتقاد به ضرورت استقرار یک نظام سیاسی باز بر کل جامعه	- حس تعلق به ایران (تاریخ، سرزمین، پرچم و ...)؛ همبستگی ملی و احساس تعلق ملی؛ لزوم تقویت طبقه متوسط در جامعه؛ اعتقاد به ضرورت استقرار یک نظام سیاسی باز بر کل جامعه؛ دفاع از یکپارچگی و همبستگی سیاسی؛ دفاع از تصمیم گیری های سیستم سیاسی کشور (غلط یا درست)؛ حمایت از قانون اساسی
اشتغال طبقه متوسط در سطوح سیاسی و دولتی؛ شرکت در انتخابات؛ تشکیل احزاب و مشارکت در آنها؛ مشارکت در تصمیم گیری ها و ارائه راهکار	اشتغال طبقه متوسط در سطوح سیاسی و دولتی؛ شرکت آزادانه در انتخابات؛ تشکیل احزاب و مشارکت در آن ها؛ شرکت در جلسات و مباحث سیاسی؛ آزادی تعیین سرنوشت؛ مشارکت در تصمیم گیری ها و ارائه راهکار؛ شرکت آزادانه در نظرسنجی ها؛ حضور و مشارکت در تشکیل سازمان های مردم نهاد؛ تلاش برای کسب مناصب سیاسی؛ تشویق دیگران برای شرکت در انتخابات؛ شرکت در فعالیت های سیاسی

<p>امکانات سیاسی؛ آموزش افراد متخصص در حوزه سیاست؛ نیروی انسانی؛ اطلاعات و ارتباطات (شبکه های تلویزیونی، رادیویی و ماهواره ای، خبرگزاری ها، سایت های اینترنتی و وبلاگ های سیاسی)</p>	<p>ارزش های سیاسی (اشاعه فضیلت های اخلاقی، عدالت در جامعه)؛ الگوی مردم سالاری؛ وجود مراکز آموزشی (مدارس، آموزشگاه ها، دانشگاه ها و)؛ جامعه پذیری سیاسی نوجوانان و آشناسازی آنان با فرهنگ سیاسی جامعه؛ افزایش جمعیت با سواد؛ گزینش، جذب و آموزش رهبران و کارگزاران سیاسی؛ تعلیم افراد متخصص در حوزه سیاست؛ آموزش فراگیر برای همگان؛ تعداد دانش آموزان و دانشجویان در حال تحصیل؛ تعداد معلمان و اساتید؛ ایجاد زمینه برای تشکیل سازمان هایی که در جامعه نقش های سیاسی ایفا می کنند؛ شبکه های تلویزیونی و رادیویی؛ شبکه های ماهواره ای؛ خبرگزاری ها و سایت های اینترنتی؛ راه اندازی شبکه های سیاسی مجازی و وب سایت های سیاسی؛ دسترسی و استفاده از اینترنت؛ و شش پست و مخابرات؛ تنوع رسانه ها</p>
<p>شرایط طبقاتی؛ سرمایه اجتماعی؛ آموزش؛ رسانه های جمعی؛ بهداشت و درمان</p>	<p>افزایش فاصله طبقاتی در جامعه؛ شکاف محلی و منطقه ای؛ گسترش بی عدالتی و فرصت های نابرابر در جامعه؛ سرمایه اجتماعی؛ ضعف روحیه قانونگرایی شهروندان؛ ضعف اعتماد عمومی در بین شهروندان؛ ضعف روحیه مسئولیت پذیری اجتماعی شهروندان؛ ضعف اعتماد نهادین در بین شهروندان؛ بی توجهی به تخصص و کارآمدی علمی در جامعه؛ رواج مدرک گرایی در جامعه؛ گسترش کمی آموزش دانشگاهی و بی توجهی به کیفیت آموزش؛ کمبود رسانه های مستقل و منتقد به عنوان نماینده افکار عمومی جامعه و طبقه متوسط؛ کمبود امکانات بهداشت و درمان</p>
<p>ضعف گرایش های روشن سیاسی؛ باورها و رفتارهای فرهنگی و سیاسی؛ ضعف حافظه تاریخی</p>	<p>پایین بودن میزان مطالعه در جامعه؛ پایین بودن میزان مصرف فرهنگی در جامعه؛ نبود تنوع در امکانات و تولیدات فرهنگی مورد استفاده در جامعه؛ باورها و رفتارهای فرهنگی؛ گرایش های خاص گرایانه در جامعه؛ ضعف گرایش های توسعه ای در جامعه؛ ضعف فرهنگ و رفتار شهروندی در جامعه؛ ضعف آگاهی فرهنگی افراد جامعه نسبت به سبک زندگی مطلوب؛ چالش ها و ویژگی های هویتی؛ ضعف حافظه تاریخی؛ کاهش عرق و روحیه ملی در بین افراد جامعه؛ از خودبیگانگی فرهنگی</p>

<p>رویکردها و سیاست های کلان اقتصادی؛ آسیب ها و فساد در حوزه اقتصاد؛ نهادها و سازمان های اقتصادی؛ تعاملات جهانی در حوزه اقتصاد؛ فرهنگ اقتصادی کشور؛ تحریم ها؛ نبود ثبات اقتصادی</p>	<p>تغییر سریع سیاست های کلان با تغییر دولت؛ اقتصاد دولتی و تمرکزگرا در کشور؛ نفت محور بودن اقتصاد و ساختارهای اقتصادی کشور؛ خام فروشی منابع طبیعی کشور؛ اقتصاد تک محصولی کشور؛ وجود شبکه های فساد در نظام تولید و توزیع کالا و ساختار بانکی؛ پایین بودن امنیت سرمایه گذاری؛ نبود شفافیت اقتصادی در جامعه؛ رابطه مدارای در تعاملات اقتصادی دولتی و عمومی؛ وجود شبکه های انحصاری و بدون رقیب در نظام اقتصادی کشور؛ کاهش تعاملات جهانی؛ ضعف وجدان کار و اخلاق حرفه ای در جامعه؛ تحریم های مالی، نفتی و نظامی؛ نرخ تورم و گرانی؛ رشد پایین اقتصادی؛ نبود خصوصی سازی</p>
<p>تامین نظم، امنیت، رفاه و زیرساخت های اقتصادی و سیاسی بیشتر؛ تکامل روحی، معنوی و اخلاقیات در جامعه؛ گسترش فعالیت زنان در حوزه سیاسی؛ تقویت طبقه متوسط به عنوان سرمایه مهم جامعه</p>	<p>- تامین نیازهای مادی و معنوی؛ ضرورت مشارکت سیاسی طبقه متوسط در تمامی سطوح؛ تقویت طبقه متوسط بعنوان سرمایه مهم جامعه؛ تأمین نیازهای مصرفی، افزایش سرمایه؛ تامین نظم، امنیت، رفاه و زیرساخت های اقتصادی و سیاسی؛ تکامل روحی، معنوی و اخلاقیات در جامعه؛ پیاده شدن شعائر دینی در جامعه دین مدار و مذهبی؛ گسترش فعالیت زنان در حوزه سیاسی؛ برابری، عدالت، اشتراک اجتماعی و رفاه اقتصادی و تحقق آنها در جامعه؛ تأمین نیازها و پاسخگویی مقتضی به مطالبات جدید</p>

۳-۱-۵. گام سوم: کدگذاری نظری

کدهای نظری، چگونگی ارتباط ممکن میان کدهای حقیقی را مفهوم سازی می کنند. در واقع، کدهای نظری، الگویی را از چگونگی ارتباط ممکن میان مقولات حاصل از تلفیق کدها و مفاهیم، حول مقوله محوری ارائه می دهند. در ادامه تم های اصلی، فرعی و مفاهیم اصلی شناسایی شده ارائه شده است.

جدول (۲). مفاهیم اصلی و مقوله‌های فرعی

مفاهیم اصلی	تم فرعی		تم اصلی
حق آزادی عقیده و مذهب حق آزادی مطبوعات و اخبار و اطلاعات تساوی حقوق	بهره مندی طبقه متوسط از حقوق سیاسی و اجتماعی		شرایط علی
حس تعلق به ایران دفاع از تصمیم‌گیری‌های احزاب سیاسی کشور (غلط یا درست) اعتقاد به ضرورت استقرار یک نظام سیاسی باز بر کل جامعه	هویت سیاسی طبقه متوسط		
تقویت طبقه متوسط در مناسبات سیاسی و دولتی شرکت در انتخابات آزاد تشکیل احزاب و مشارکت در آنها مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و ارائه راهکار	مشارکت سیاسی طبقه متوسط		شرایط زمینه‌ای
امکانات سیاسی (ارزش‌های سیاسی، جاذبه رهبری، مراکز مذهبی و مرکز آموزشی) آموزش افراد متخصص در حوزه سیاست نیروی انسانی اطلاعات و ارتباطات (شبکه‌های تلویزیونی، رادیویی و ماهواره ای، خبرگزاری‌ها، سایت‌های اینترنتی و وبلاگ‌های سیاسی)	ظرفیت و امکانات سیاسی	تسهیل گرها	شرایط مداخله گر
شرایط طبقاتی سرمایه اجتماعی آموزش رسانه‌های جمعی بهداشت و درمان	موانع اجتماعی	ضعف و موانع	
مصرف فرهنگی باورها و رفتارهای فرهنگی چالش‌ها و ویژگی‌های هویتی	موانع فرهنگی		
رویکردها و سیاست‌های کلان اقتصادی نفت محور بودن اقتصاد و ساختارهای اقتصادی کشور آسیبها و فساد در حوزه اقتصاد نهادها و سازمانهای اقتصادی تعاملات جهانی در حوزه اقتصاد فرهنگ اقتصادی کشور تضعیف بنیه مالی طبقه متوسط و پایین جامعه	موانع اقتصادی		

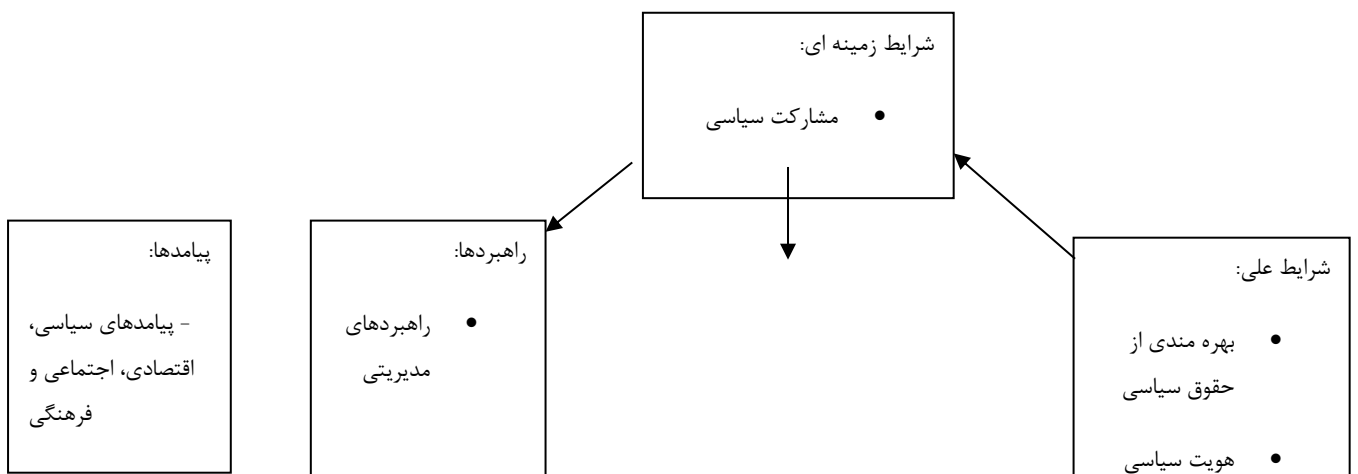
تحریم ها نبود ثبات اقتصادی			
تامین نظم، امنیت، رفاه و زیرساخت‌های اقتصادی تکامل روحی، معنوی و اخلاقیات در جامعه گسترش فعالیت زنان در حوزه سیاسی	تامین نیازها و خواسته های سیاسی طبقه متوسط		مقوله محوری
کاهش فقر و نابرابری، دستیابی به رفاه عادلانه و فرصت های برابر اقتصادی سازماندهی و هماهنگی سیاسی عدالت در دسترسی به امکانات و فرصت های گوناگون نهادینه شدن خواسته ها و ارزش های توسعه هماهنگی بین بخش ها و شفافیت در اجرای برنامه ها افزایش مشارکت سیاسی ارائه خدمات بهداشت و درمان، خدمات اجتماعی شخصی و آموزش از طرف دولت تغییر سیاست های کلان بین المللی با جهت گیری تعامل بین المللی شایسته سالاری و به دنبال آن، ثبات مدیریتی کلان با وجود تغییر دولت ها گسترش رسانه‌های جمعی و توسعه آزادی های سیاسی تقویت جایگاه اجتماعی سیاسی طبقه متوسط در جامعه با تاکید بر رسیدگی به وضعیت اقتصادی این طبقه	راهبردهای مدیریتی		راهبردها
اعتماد به مردم مشارکت سیاسی مردم در عرصه سیاست، اجتماع و اقتصاد حضور فعال زنان در انقلاب کسب آزادی های سیاسی و اجتماعی توزیع عادلانه امکانات و حمایت از افشار آسیب پذیر در تمامی نقاط کشور توسعه ارتباطات دسترسی به امکانات آموزشی رعایت اخلاق سیاسی و با هدف تحقق انسجام ملی برای ارتقای کشور فراهم شدن یک فضای حقوقی، اجتماعی، سیاسی که در چارچوب	پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی		پیامدها

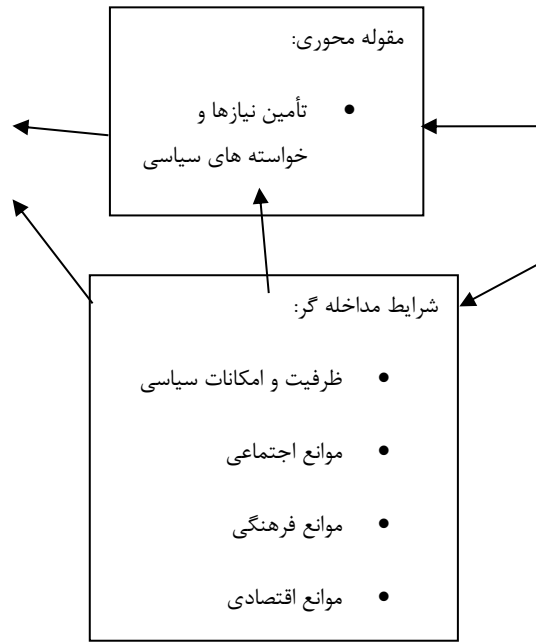
<p>آن طرح های سرمایه گذاری و فعالیت های اقتصادی بتواند از آغاز اجرا تا مرحله بهره برداری و از مرحله بهره برداری تا پایان کار به دور از اخلال ها و آشفتگی های بیرونی عمل کند</p> <p>گسترش دامنه و شمول فعالیت های فرهنگی</p> <p>ایجاد یکپارچگی ملی و انسجام اجتماعی</p> <p>وجود عنصر اعتماد در روابط اجتماعی</p>		
-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--	--

محقق در قالب ۵۸ مفهوم اصلی، ۱۰ مقوله را با استفاده از پارادیم استراوس و کوربین دسته بندی نموده است و با انجام مصاحبه ها و تحلیل داده ها، درک عمیق تری در رابطه با موضوعات مطرح شده بدست آورده است. سپس بین مقوله ها و ویژگی های شناخته شده در مرحله اول کدگذاری باز، حرکت رفت و برگشتی انجام شده است. مصاحبه ها تا جایی ادامه یافت که مقوله ها به حد اشباع تئوریکی رسیدند.

۵-۱-۴. مدل پارادایمی تحقیق

مدل پارادایمی این تحقیق بر اساس الگوی پارادایمی استراوس و کوربین مطابق با شکل (۱) طراحی گردید. در این مدل، شرایط علی، عوامل الزام آور توسعه سیاسی با نقش طبقه متوسط نشان داده می شود. با وجود این عوامل و شرایط، مدل توسعه سیاسی با نقش طبقه متوسط طراحی گردید. شرایط زمینه ای، بسترساز توسعه سیاسی است. شرایطی که برای موفقیت بهتر در اجرای این فرآیند باید بیشتر مدنظر قرار گیرند. شرایط مداخله گر بر توسعه سیاسی تأثیر مثبت و یا منفی داشته و می توانند توسعه سیاسی را مختل و یا تسهیل و همچنین تسریع نمایند. در این فرآیند اصلی ترین عامل در ایجاد فرآیند توسعه سیاسی بر مبنای تامین نیازها و خواسته های سیاسی به عنوان مقوله محوری در نظر گرفته شده است. عامل راهبردی مدل، راهبردهای مدیریتی در نظر گرفته شده است و در بعد پیامدها، نتایج مورد انتظار از عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مدنظر قرار گرفت. پیامدهایی که تجلی آن ها به معنی ظهور پدیده توسعه سیاسی با توجه به نقش طبقه متوسط می باشد.





شکل (۱). مدل پارادایمی تحقیق

۶. نتیجه گیری

هدف مقاله حاضر تبیین نقش طبقه متوسط بر توسعه سیاسی ایران بعد از انقلاب اسلامی است؛ که به بررسی یافته‌ها و نتایج حاصل از کدگذاری و بررسی مقولات استخراج شده در مرحله اول که منجر به طراحی مدل گردید پرداخته شد. در این تحقیق، از مصاحبه‌شوندگان در مرحله اول تحقیق خواسته شد تا عواملی که می‌توانند به کمک آن‌ها بر جایگاه طبقه متوسط در توسعه سیاسی تأثیرگذار باشند را بیان کرده و مفصل به این رویدادها بپردازند. شرایط علی، عوامل الزام آور توسعه سیاسی با نقش طبقه متوسط نشان داده است. با وجود این عوامل و شرایط، مدل توسعه سیاسی با نقش طبقه متوسط طراحی گردید. در مرحله کدگذاری باز که تحلیل‌ها مبتنی بر تجزیه و تحلیل جمله به جمله مصاحبه‌ها بود در نهایت ۶ مفهوم اصلی و دو مفهوم فرعی برای شرایط علی در نظر گرفته شد. این شرایط شامل بهره‌مندی طبقه متوسط از حقوق سیاسی و اجتماعی و هویت سیاسی طبقه متوسط است. همچنین از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد تا شرایط زمینه‌ای لازم را برای توسعه سیاسی طبقه متوسط بیان نمایند. شرایط زمینه‌ای، بسترساز توسعه سیاسی است. شرایطی که برای موفقیت بهتر در اجرای این فرآیند باید بیشتر مدنظر قرار گیرند. در مرحله کدگذاری باز و با تجزیه و تحلیل دقیق مصاحبه‌ها، شرایط زمینه‌ای ۴ مفهوم اصلی و یک مفهوم فرعی در نظر گرفته شد. این شرایط شامل مشارکت سیاسی طبقه متوسط می‌باشد. همچنین محقق از مصاحبه‌شوندگان خواست تا موانع و یا تسهیل‌گرهای اجرای فرآیند توسعه سیاسی توسط طبقه متوسط در کشور عنوان نمایند. در مرحله بعد یعنی کدگذاری محوری این کدها در ۲۱ مفهوم اصلی و چهار مفهوم فرعی دسته‌بندی شدند. این شرایط شامل تسهیل‌گر (ظرفیت و امکانات سیاسی) و موانع (موانع اجتماعی، موانع فرهنگی و موانع اقتصادی) می‌باشد. شرایط مداخله‌گر بر توسعه سیاسی تأثیر مثبت و یا منفی داشته و می‌تواند توسعه سیاسی را مختل و یا

تسهیل و همچنین تسریع نمایند. در این فرآیند اصلی ترین عامل در ایجاد فرآیند توسعه سیاسی بر مبنای تامین نیازها و خواسته های سیاسی به عنوان مقوله محوری در نظر گرفته شده است. نتایج حاصل از بررسی و تجزیه و تحلیل ایده های استخراج شده از مصاحبه ها نشان می دهد راهبرد ۱۱ مفهوم اصلی و یک مفهوم فرعی در نظر گرفته شد. که شامل راهبردهای مدیریتی می باشد و در بعد پیامدها، نتایج مورد انتظار از عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مدنظر قرار گرفت. پیامدهایی که تجلی آن ها به معنی ظهور پدیده توسعه سیاسی با توجه به نقش طبقه متوسط می باشد.

طی سال های اخیر طبقه متوسط ایران نیز تحولات مهمی را در درون خود و هم در ارتباط با دیگر گروه های اجتماعی از سر گذرانده است. این طبقه همچنین در روند تحولات سیاسی و اجتماعی حضوری چشمگیری داشته است و به بزرگترین طبقه اجتماعی در کشور تبدیل شده است. اما هنوز این طبقه نتوانسته است جایگاه تثبیت شده ای در عرصه مدیریت به ویژه مدیریت توسعه سیاسی در جامعه برعهده بگیرد. هرچند گفته می شود که تحولات سیاسی آتی در گرو پیوند آنها با طبقه متوسط جدید است. اما به معنای واقعی کلمه طبقه متوسط جدید چندان در عرصه سیاسی و کنش های مربوط به آن به پایگاه مناسبی دست پیدا نکرده است. آنچه در این میان باید به آن توجه شود، نارسایی های این طبقه در هدایت تحولات و تغییرات بنیادین سیاسی بوده است. عدم انسجام این طبقه، ناپایداری آن در پیشبرد یک راهبرد رايكادل و سیال بودن مطالبات و تمایلات سیاسی در آن در زمره نقاط ضعف این نیروی اجتماعی مهم است. با این وجود همگان بر این باورند که موتور توسعه بر حجم طبقه متوسط و میزان فعالیت این طبقه بستگی دارد؛ بنابراین باید مانع از انتقال این طبقه به طبقه پائین گردیم، زیرا همگان می دانیم که جامعه ای سالم است و می تواند امید به پیشرفت داشته باشد که طبقه متوسط آن بسیار گسترده تر از طبقه بالا و پائین باشد

نخستین شاخص در سنجش آزادی سیاسی طبقه متوسط در جامعه، آزادی انتخاب مذهب می باشد. آیا طبقه متوسط از این حق طبیعی خود تا چه حدی برخوردارند و آیا می توانند در انتخاب دین و مذهب خود و یا تغییر آن آزاد باشند و شاخص دیگری که در سایه شاخص حق انتخاب مذهب مفهوم پیدا می کند؛ حق آزادی در انجام مناسک و فرایض دینی است آیا طبقه متوسط از هر از مذهبی که باشند (البته مذاهب مورد تایید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) می توانند با خیال آسوده و در اماکن مذهبی خود فرایض دینی خود را آزادانه به جا آورند. شاخص دیگر مؤلفه آزادی سیاسی، حق آزادی بیان است. البته باید در سنجش این حق به این نکته مهم توجه داشت آزادی بیان در هر جامعه ای از یک سری محدودیت هایی برخوردار است که قانون اساسی آنها را مشخص می سازند؛ لذا باید با توجه به این محدودیت ها نسبت به سنجش این شاخص اقدام کرد.

برای سنجش میزان برخورداری طبقه متوسط از حق انتخاب هویت، عوامل مختلفی می تواند مورد توجه قرار گیرد. در این پژوهش شاخص هویت ملی یعنی حس تعلق به ایران، سرزمین، پرچم، زبان فارسی، اسطوره ها و ... یکی از شاخص های هویت می باشد همچنین میزان حس تعلق به اسلام (قرآن کریم، پیامبر اکرم (ص))، ائمه اطهار (ع)، ارزش ها و اصول دینی و ... می باشد.

توسعه سیاسی در هیچ جامعه ای بدون جلب مشارکت در مردم امور سیاسی اتفاق نمی افتد، لذا مقوله میزان مشارکت سیاسی مردم در امور سیاسی به عنوان یکی از عوامل اصلی در الگوی توسعه سیاسی کشور ارائه شده است. ارتقای رشد سیاسی و آگاهی های عمومی و حضور فعال مردم در صحنه های سیاسی و سرنوشت ساز کشور، سپردن انتخاب مسئولان به مردم، تکیه به آرای عمومی در تمامی امور کشور و اهتمام به مشارکت سیاسی مردم با حضور گسترده آنان در صحنه های مختلف مدیریتی کشور، تاسیس نهادهای مردمی و انتخاباتی، حرکت به سوی قانون گرایی و تحقق نظام مردم سالاری دینی در قالب برگزاری انتخابات آزاد و مردمی، شکل گیری تشکل های سیاسی مستقل مردمی، حضور فعال زنان در انقلاب، بالا رفتن منزلت آنان در پذیرش نقش سیاسی، مشارکت در همه ی امور کشور، افزایش چشم گیر دختران دانش آموز و دانشجو و زنان معلم، استاد و شاغل، در سطوح مختلف، اعم از قانون گذاری، اجرایی و سایر سمت های حساس کشور.

ورود تحصیل کردگان دانشگاهی به ارکان اجرایی و تقنینی کشور، رسوخ رسانه های مکتوب و غیر مکتوب، تحرک طبقاتی، افزایش منزلت اجتماعی، قدرت سیاسی اقشار سنتی، اعتماد به نفس و... از جمله مؤلفه هایی است که مستقیماً تحت تأثیر سواد در جامعه ما خود نمایی نموده است. در طی سال های مزبور با تغییر الگوی مصرف و تشکیل طبقه اقتصادی جدید به همراه رشد آگاهی های اجتماعی باعث شد تا آرمان های انقلابی دچار فراموشی شده و افتخارات و نمادهای ارزشی به کناری نهاده شود. درگیری مسئولین با حوزه اقتصاد، رفاه طلبی افراد نزدیک به حکومت، استفاده از رانت های سیاسی و... از جمله پدیده هایی بود که کارکرد فرهنگی نظام را با مشکلات جدی مواجه ساخت. این در حالی بود که تکنولوژی رسانه ای و ارتباطی مانند ماهواره، ویدئو و... هر روز، بیش از پیش با خرده فرهنگ های تحمیلی به جامعه سرازیر شده و نبود استراتژی فرهنگی، عدم تلاش برای فرهنگ سازی از طریق رادیو و تلویزیون، سینما، ادبیات و...، عدم انسجام منطقی در کارکردهای دستگاه های فرهنگی و... باعث گردید تا حوزه فرهنگ ناکارآمد گردد.

وجود امکانات و ظرفیت های سیاسی مناسب در جامعه نقش اساسی در شکوفایی استعدادها و توانایی های طبقه متوسط و در نتیجه آن توسعه سیاسی کشور دارد فراوانی و پراکندگی مناسب امکانات و ظرفیت ها در مناطق مختلف کشور، می تواند زیرساخت های لازم را برای توسعه سیاسی فراهم سازد؛ لذا برای سنجش توسعه سیاسی کشور، سنجش مقوله امکانات و ظرفیت ها از اهمیت خاصی برخوردار است.

مهمترین موانع اقتصادی توسعه سیاسی طبقه متوسط در ایران شامل رویکردها و سیاست های کلان اقتصادی، آسیب ها و فساد در حوزه اقتصاد، نهادها و سازمان ها، تعاملات جهانی در حوزه اقتصاد، فرهنگ اقتصادی کشور می باشد. به بیان دیگر، نوع نگاه به اقتصاد، روابط اقتصادی در درون کشور و روابط اقتصادی با جهان، نابهنجاری در سازوکارهای اقتصادی، تمرکزگرایی و انحصاری بودن فعالیت های اقتصادی از مهمترین موانع و مشکلات اقتصادی فراروی توسعه سیاسی در ایران هستند. چنین ویژگی هایی جامعه را از فرصت توسعه اقتصادی و همچنین توسعه سیاسی باز می دارد و هزینه های پیاپی و در نتیجه تسلسل درماندگی اقتصادی و سیاسی را بر جامعه تحمیل می کند. برای دستیابی به یک جامعه رفاه، بر کاهش فقر و نابرابری، دستیابی به رفاه عادلانه و فرصت های برابر اقتصادی تأکید می شود؛ دستیابی به توسعه سیاسی بدون توجه به این شاخص ها ممکن نیست.

موانع اجتماعی توسعه سیاسی طبقه متوسط در ایران به ترتیب عبارتند از: شرایط طبقاتی؛ سرمایه اجتماعی؛ آموزش؛ رسانه‌های جمعی؛ مسایل اجتماعی؛ بهداشت و درمان؛ شرایط نسلی. به بیان دیگر، چالش‌های طبقاتی، تعاملات اجتماعی و سواد و آگاهی اجتماعی و رسانه‌ای و نوع نگاه به آموزش و تحصیلات در جامعه از مهمترین موانع اجتماعی توسعه سیاسی هستند. مؤلفه‌های اجتماعی، گسترده‌ترین مؤلفه‌ها در توسعه هستند و گستردگی آنها در بسیاری از موارد موجب بی‌توجهی به آنها و کارکردشان بر طبقه متوسط می‌شود. با این وجود، در شکل‌گیری جامعه‌ای شهروندمدار و توسعه‌ای این مؤلفه‌ها نقش بی‌بدیلی ایفا می‌کنند و بروز کاستی و مشکل در آنها زمینه توسعه نیافتگی را پدید می‌آورند. شاخص‌هایی چون آموزش، مشارکت اجتماعی، بهداشت و درمان، اشتغال، عدالت در دسترسی به امکانات و فرصت‌های گوناگون از اهمیت محوری برای رسیدن به طبقه‌ای متوسط با توسعه سیاسی بالا برخوردارند.

موانع فرهنگی توسعه سیاسی طبقه متوسط در ایران به ترتیب شامل مصرف فرهنگی؛ ایستارها؛ باورها و رفتارهای فرهنگی؛ چالش‌ها و ویژگی‌های هویتی می‌باشند. برخی از مهمترین مصادیق این ابعاد عبارتند از: پایین بودن میزان مطالعه در جامعه؛ پایین بودن میزان مصرف فرهنگی در جامعه؛ گرایش‌های خاص گرایانه در جامعه؛ نبود تنوع در امکانات و تولیدات فرهنگی مورد استفاده در جامعه.

اولویت یافتن موانع اقتصادی فراروی توسعه سیاسی در مقایسه با موانع فرهنگی و اجتماعی در این پژوهش به معنای کم‌اهمیت بودن مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی نیست؛ زیرا فاصله نمره‌ای این موانع زیاد نبوده است. با وجود این، این اولویت‌بندی نشانگر ژرفای مسایل و مشکلات اقتصادی در کشور است. ماهیت این دسته از مؤلفه‌ها و پیوند تمرکزگرایانه آنها با هم نشانگر هم‌افزایی در وضعیت مشکلات و ناکارآمدی این حوزه در کشور است. این وضعیت به سهم خود سایر مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی را نیز دستخوش کژکارکردی می‌سازد. اولویت یافتن موانع اقتصادی از زاویه دیگری نیز قابل تحلیل است و آن هم ماهیت جوامع جهان سوم است که در آنها تمرکزگرایی و مدیریت عمودی بر امور مختلف جامعه، از یک سو و کاستی در کارآمدی شاخصه‌های مدیریتی و تصمیم‌سازی، از سوی دیگر، موجب می‌شود که جامعه حتی در تأمین نیازهای مادی خود که در ابعاد اقتصادی قرار دارد، دچار ضعف کارکردی شود و ضعف در این ابعاد کاستی و نارسایی در سایر ابعاد را، به ویژه توسعه سیاسی پدید آورد. بنابراین، ناکارآمدی در بخش اقتصادی زمینه افزایش ناکارآمدی در سایر بخش‌های جامعه و در نتیجه توسعه نیافتگی همه‌جانبه را در پی خواهد داشت.

برخورداری طبقه متوسط از حقوق سیاسی جزء پیش‌نیازهای اصلی توسعه سیاسی در کشور است. بدیهی است که هرچقدر میزان برخورداری طبقه متوسط از حقوق سیاسی بیشتر باشد روند توسعه سیاسی کشور شتاب بیشتری به خود می‌گیرد. دستیابی به چنین توسعه‌ای نیازمند برنامه‌ریزی جامع و گسترده‌ای در ساختارهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. نبود پیش‌نیازها و برنامه‌های کاربردی که به چنین هماهنگی بین بخشی و فراهم‌سازی زمینه‌های کنش توسعه‌ای پردازد، می‌تواند انسجام و آشفتگی را در مطالبات و کردارهای توسعه‌ای پدید آورد و طبقه متوسط جامعه را از دستیابی به چنین توسعه‌ای محروم سازد. نهادینه نشدن خواسته‌ها و ارزش‌های توسعه‌ای در کنار نبود نظام برنامه‌ریزی و اجرایی کارآمد و هماهنگ در جامعه‌ای همچون ایران می‌تواند وضعیت توسعه سیاسی را از مسیر مطلوب خارج سازد و طبقه متوسط جامعه را وارد چرخه باطلی از توسعه نیافتگی و مهیانشدن زمینه‌های تجربه رفتار توسعه‌ای سازد.

۵-۳-۱- پیشنهادهای کاربردی

فراهم ساختن زمینه‌های برخورداری از بینش و درک سیاسی طبقه متوسط در قبال سرنوشت خود و تصمیم‌گیری‌های جامعه؛ دولت باید آزادی بیان را به‌طور خاص در عرصه‌های ارتباطات گروهی و اجتماعی و فضای مجازی از جمله روزنامه، مجله، کتاب، سینما، رادیو، تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی و مانند این‌ها طبق قوانین تضمین کند؛ برآورده کردن نیازهای طبقه متوسط به صنعت، فن آوری اطلاعات، دانش روز به هر طریق ممکن؛ بازتولید گفتمان اسلامی - انقلابی جهت پاسخگویی به نیازهای مشروع نسل جوان و هماهنگ نمودن آن گفتمان با شرایط زمانه؛ ایجاد انگیزه و تعهد جهت مشارکت سیاسی فعالانه در بین طبقه متوسط و تبدیل احساسات به عقلانیت در حوزه مشارکت سیاسی؛ پرهیز از شعارزدگی و توجه به واقعیت‌های موجود جامعه (امکانات، محدودیت‌ها) و استفاده از تجارب گذشته به منظور رسیدن به الگویی جامع و مطلوب؛ داشتن برنامه مدون و سازمان یافته برای بحث و گفتگو و تبادل نظر میان دولت‌مردان و طبقه متوسط به منظور افزایش تعامل بین طبقه متوسط و توسعه سیاسی؛ تأمین امنیت سرمایه‌گذاری، ساده‌سازی، صراحت و ثبات در تصمیمات اقتصادی، گسترش مناسبات و پیوندهای منطقه‌ای، ایجاد تمهیدات لازم را برای حضور فعالان اقتصادی ایران در بازارهای جهانی، حمایت از نوسازی و تجهیز بنگاه‌های تولیدی به دانش روز، تنظیم هدفمند صادرات و واردات، مقابله با جرائم سازمان‌یافته اقتصادی؛ شفافیت در تصمیم‌گیری‌های دولتی و حکومتی و قانونمند کردن مؤسسات دولتی و خصوصی مرتبط با دولت؛ تقویت و توسعه تشکل‌ها و انجمن‌های صنفی، علمی، سیاسی، ادبی و هنری جهت تمرین آموزه‌های خردورزی جمعی، مشارکت‌های گروهی، اعتماد افراد به یکدیگر و شکستن جو ترس، ناامنی و بی‌اعتمادی.

منابع

- آب نیکی، حسن (۱۳۹۶). بررسی مشارکت سیاسی در طبقه متوسط جامعه ایران، دو فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش سیاست نظری، شماره ۲۱.
- ازغندی، علیرضا و حسام قاضی، روزان (۱۳۹۷). سیری بر هویت طبقه متوسط جدید طی سه دهه بعد از انقلاب در ایران، مجله سیاست پژوهی، دوره پنجم، شماره ۱۰.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۷). تمایز نقد اجتماعی قضاوت‌های درونی، تهران: انتشارات ثالث.
- بحرانی، محمدحسین (۱۳۸۹). طبقه متوسط و تحولات سیاسی در ایران معاصر، تهران: انتشارات آگاه.

- دارابی، علی (۱۳۹۴). طبقه متوسط جدید و توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال هشتم، شماره ۱.
- شجیعی، زهرا (۱۳۸۳). نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، جلد چهارم، تهران: انتشارات سخن.
- شفیع فر، محمد (۱۳۹۴). روند توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست، دوره چهل و پنجم، شماره ۱.
- فوزی، یحیی و رمضانی، ملیحه (۱۳۸۸). طبقه متوسط در ایران بعد از انقلاب و چشم انداز آینده آن در تحولات سیاسی، نخستین همایش بین المللی تحولات جدید ایران و جهان، قزوین، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۷). ساختار طبقاتی جوامع پیشرفته، تهران: انتشارات تیسرا.
- محمدی فر، نجات و محمدی، روح الله (۱۳۹۱). نقش دولت نفتی (راینتر) در شکل گیری و ماهیت طبقه متوسط جدید، مجله چشم انداز ایران، شماره ۷۲.
- مسعود، زهرا و منصورزاده، محمدباقر (۱۳۹۴). نقش طبقه متوسط جدید بر فرآیند توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست، سال دوم، شماره ۷.
- مقدم فر، عطا... (۱۳۹۷). تحول و جایگاه طبقه متوسط در ایران معاصر، تهران: انتشارات آریابان.
- نوروزی، فیض الله (۱۳۹۲). روش تحقیق در علوم اجتماعی؟، تهران: انتشارات سخنوران.